

## معرفی نسخه‌های خطی رباعیات بزرگترین رباعی‌سرای زبان فارسی ابوسعید کمال‌الدین نجفی استرآبادی متخلص به سحابی

دکتر عظامحمد رادمنش<sup>1</sup>

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

دکتر مرتضی رشیدی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

عبدالله دن

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

### چکیده

رباعی که اکثر پژوهندگان آن را قالبی کاملاً ایرانی دانسته‌اند، یکی از قالب‌های کوتاه شعری است، با مجالی اندک اما محمل اندیشه‌های بزرگ؛ به عبارت دیگر ایجاز کلام و در عین حال تراکم تصاویر و معانی، از ویژگی‌های ذاتی این قالب شعری است. در بیشتر کتب ادبی و تاریخی و نسخه‌های خطی و جنگ‌های شعری قدیم نظیر رساله‌التنبیه، تاریخ جهانگشای جوینی، کلیله و دمنه، مرزبان نامه، سندباد نامه، چهارمقاله نظامی عروضی، تاریخ و صفای تاریخ گزیده، المسالک و الممالک، مرصاد العباد، عبهر العاشقین نمونه‌هایی از رباعیات شاعران گذشته ذکر شده است.

این موضوع اهمیت و ارزش این قالب کوتاه و در عین حال پرمغز را بازگو می‌کند. چه بسیارند رباعی‌سرایان عارف و فیلسوفی نظیر «ابوسعید ابوالخیر»، «خیام نیشابوری»، «سنایی غزنوی»، «اوحد الدین کرمانی»، «بابا افضل کاشانی»، «سنایی غزنوی»، «مولوی»، «عطار نیشابوری» و «سحابی استرآبادی» که هر کدام در زمان و دیار خود مورد احترام بوده‌اند و تا سالیان سال پیام‌ها و حکم و مواعظ آنها ورد زبان و آویزه گوش هر کمال‌جویی خواهد بود. در این مقاله ما برآنیم که ضمن معرفی احوال و شخصیت عرفانی و فلسفی بزرگترین رباعی‌سرای عارف، «کمال‌الدین سحابی نجفی استرآبادی»، به معرفی نسخه‌های خطی اشعار او بپردازیم.

**واژه‌های کلیدی:** سحابی نجفی استرآبادی، رباعیات، نسخ خطی.

### مقدمه

رباعی را ناب‌ترین، اصیل‌ترین، و کهن‌ترین قالب شعری دانسته‌اند. (نیما یوشیج: 12) رباعی از کلمه «رباع» به معنی «چهارتایی» گرفته شده است. شعری است چهار مصرعی که امروزه اصطلاحاً آن را بر وزن «لا حول و لا قوة الا بالله» تصور می‌کنند. در رباعی معمولاً سه مصرع اول در حکم مقدمه‌ای برای مصرع چهارم است که به آن مصرع، ضربه نیز گفته می‌شود. در این خصوص صائب گوید:

«از رباعی بیت آخر می‌زند ناخن به دل خط پشت لب به چشم ما ز ابرو خوش‌تر است»  
(دیوان صائب، 1370: غزل 555، بیت 12)

دکتر شمیسا رباعی را از لحاظ موضوع به سه گروه تقسیم می‌کند:

الف) رباعی عاشقانه: مثل رباعی‌های رودکی

ب) رباعی صوفیانه: مثل رباعی‌های ابوسعید ابوالخیر، عطار و مولوی

پ) رباعی فلسفی: مثل رباعی‌های خیام (شمیسا، 1378: 294)

البته کار شاعر در سرودن رباعی دشوار است، دشوارتر از سخن‌آفرینی در همه قالب‌های شعری. وقتی گوینده مجبور است در قالبی معین، در چهار مصرع و با الفاظی محدود و محدود در بیست یا سی کلمه، یک نکته بدیع را در کمال ایجاز اما به صورت کامل و بی‌نقص بیان کند، البته کار او آسان نیست. در این‌جا یک لفظ نافصیح و یا نامأنوس، یک جزء ضعیف در معنی، کار را خراب می‌کند، آن وقت دیگر نه شاعر حاضر است ساخته خود را دست مردم دهد، و نه خواننده و شنونده آن را می‌پسندند. (جمال خلیل شروانی، 1366: 36-37)

در اصطلاح صوفیه بیشتر بر شعرهای فولکوری و شعرهایی که گویندگانش ناشناخته بوده‌اند، اطلاق می‌شده است و غالباً سروده مردم عاشق پیشه کوچه و بازار بوده است. (تاک، 1381: 11)

نظریات و اندیشه‌های رباعی سرایان زبان فارسی گوناگون است. هر تفکر و اندیشه که با زندگی و عواطف و تمایلات انسانی مربوط است، در آن گنجانده شده است؛ اما از همه مهم‌تر مضامین رباعیاتی است که افکار و اندیشه‌های عرفانی، فلسفی، حکمی و اخلاقی دارد؛ از قبیل رباعیات خیام، سنایی، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، مولوی، سحابی و دیگران. این افکار و اندیشه‌ها را به قرار ذیل می‌توان طبقه‌بندی نمود:

توحید	ستایش و هجا	عشق مجازی، عشق حقیقی
دین و آیین	فلندری و رندی	بعثت پیامبر و خاندان رسالت
عرفان و تصوف	نکوهش و گله	مناظره و مشاعره
مراحل زندگی	فلسفه و حکمت	پند و اندرز

### اوزان رباعی

شمس قیس در *المعجم* می‌گوید: «و یکی از متقدمان شعرای عجم - و پندارم رودکی والله اعلم - از نوع اخرم و اخرب این بحر وزنی تخریج کرده است که آن را وزن رباعی خوانند و الحق وزنی مقبول و شعری مستلذّ و مطبوع است.» (شمس قیس رازی، 1373: 119)

جلال‌الدین همایی در خصوص اوزان رباعی فرموده‌اند: «فرمول معمول آن جمله «لا حول ولا قوه الا بالله» است که به اصطلاح عروض از مزاحفات بحر هزج مثنی است و در تقطیع عروضی اوزان مختلفی پیدا می‌کند و یکی از آنها لا حول ولا قوه الا بالله است؛ یعنی وزن مفعول مفاعله فاع که از 12 هجا تشکیل شده است و به آن «هزج مثنی اخرب مقبوض ازل» می‌گویند.» (همایی، 1338: 40-48)

رباعی به طور کلی 24 وزن دارد و در دو قسم 12 وزن شجره اخرب و 12 وزن شجره اخرم قرار می‌گیرد. بیشتر این اوزان ثقیل و نامانوس است و استادان سخن کمتر بدان، رباعی سروده‌اند، به ندرت ممکن است که هر چهار مصراع رباعی وزنی یکسان داشته باشند. از این میان اوزان شجره اخرب مطبوع‌تر از شجره اخرم است. (میرصادقی، 1376: 110)

شجره أخرب	شجره أخرم
مفعول مفاعله فاعیل فع	مفعولن مفعول مفاعیل فعل
مفعول مفاعله فاعیل فعول	مفعولن مفعول مفاعیل فعول
مفعول مفاعله فاعیلن فاع	مفعولن مفعول مفاعیلن فاع
مفعول مفاعله فاعیلن فع	مفعولن مفعول مفاعیلن فع
مفعول مفاعیل مفاعیل فعول	مفعولن مفعولن مفعول فعول
مفعول مفاعیل مفاعیل فعل	مفعولن مفعولن مفعول فعل

## 122 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی « ادب و عرفان »

مفعول مفاعیل مفاعیلین فاع	مفعولن مفعولن مفعولن فاع
مفعول مفاعیل مفاعیلین فع	مفعولن مفعولن مفعولن فع
مفعول مفاعیلین مفعول فعل	مفعولن فاعلن مفاعیل فعل
مفعول مفاعیلین مفعول فعول	مفعولن فاعلن مفاعیل فعول
مفعول مفاعیلین مفعولن فاع	مفعولن فاعلن مفاعیلین فاع
مفعول مفاعیلین مفعولن فع	مفعولن مفاعیلین مفعول فع

اوزان رباعی نقل از لغت نامه دهخدا ج8 ص 11889

چند وزن معمول رباعی به قرار ذیل است:

۱- مفعول مفاعلن مفاعیلین فع (فاع):

گویند بهشت و حور عین خواهد بود      آن جا می و شیر و انگبین خواهد بود  
 پس بی می و معشوق نباید بودن      چون عاقبت کار همین خواهد بود  
 (کریستن سن ، 1374: 223)

در دو مصراع پایانی، مفعول مفاعیل مفاعیلین فع به جای وزن اصلی به کار رفته است .

2- مفعول مفاعیل مفاعیل فعل:

ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم      وین یک دم عمر را غنیمت شمیریم  
 فردا که از این دیر فنا در گذریم      با هفت هزار سالگان سر به سریم  
 (همان: 202)

مصراع‌های اول و سوم بر وزن « مفعول مفاعیل مفاعیل فعل » اما در مصراع دوم و چهارم در هجای دوم مفاعلن به جای مفاعیل به کار رفته است.

3- مفعول مفاعیل مفاعیلین فع:

آن قصر که با چرخ همی زد پهلو      بر درگه آن شهان نهادندی رو  
 دیدیم که بر کنگره اش فاخته ای      بنشسته همی گفت که کوکو کوکو  
 (همان)

دو مصراع اول و چهارم بر وزن اصلی و مصراع دوم مفاعلن به جای مفاعیل در هجای دوم و در مصراع سوم مفاعیل/ فعل در هجای سوم و چهارم به جای وزن اصلی به کار رفته

است. سحابی استرآبادی اغلب رباعیات را به دو وزن «مفعول مفاعیلن مفاعیلن فع» و «لا حول ولا قوه الا بالله» که بیشتر متداول بوده، سروده است.

### رباعی قالبی فارسی است:

سید سلیمان ندوی (متوفی 1953 م.) در تألیف خود به نام *عمر خیام سعی کرده است* که ثابت کند رباعی، عربی است و ایرانیان این صنف از سخن را از اعراب گرفته‌اند. او در تأیید این ادعای خود از کلمات المعجم یادی کرده است: اهل دانش ملحونات این وزن را ترانه (نام کردند) و شعر مجرد آن را دو بیتی خواندند برای آن که بنای آن بر دو بیت بیش نیست و مستعربه آن را رباعی خوانند از بهر آن که بحر هزج در اشعار عرب مربع الاجزاء آمده است پس هر بیت از این وزن دوبیت عربی باشد. (ندوی، 1923: 224-221)

بوزانی مستشرق معاصر، رباعی را دارای ریشه ترکی و یا چینی می‌داند. شادروان علی اکبر فیاض احتمال می‌دهد که رباعی از نواحی مشرق یعنی از طرف ترکستان به ایران آمده است. (شمیسا 1378: 12) ادوارد براون هم در *تاریخ ادبیات* همین عقیده را به تصریح اظهار کرده است: «اما اینکه رباعیاتی در معنای واقعی رباعی به زبان عربی گفته شده باشد، اطمینان نگارنده به این کمتر است ولی دو بیتی از ابوالعلائی معری موجود است. (براون، 1331: 685) جایی دیگر نیز همین مطلب را ذکر می‌کند: مسلماً قدیم‌ترین اقسام و اشکال شعر فارسی که زاینده قریحه شاعران ایرانی است، همان رباعیات است. بنابراین از اشکال و ترکیبات شعر فارسی مطمئناً می‌توان رباعی را قدیم‌تر از دیگر اشکال دانست. (همان)

### اولین گوینده رباعی که بود؟

در خصوص ایجاد رباعی روایات مختلف شهرت دارد. اغلب آن‌ها بر داستان رودکی و پسر گوی باز مبتنی است که شمس قیس رازی در کتاب المعجم آورده (شمس قیس رازی، 1373: 119-120) و یا برداستان پسر گوی باز امیر یعقوب لیث صفاری که دولتشاه در تذکره نقل کرده است. (دولتشاه سمرقندی، 1338: 26-27) در این داستان‌ها رودکی را موجد قالب رباعی دانسته‌اند، لیکن این امر مورد تردید است زیرا هیچ یک از کتاب‌هایی که قبل از دو کتاب مذکور تدوین یافته، در این باره سخنی نیاورده‌اند؛ مثلاً *تاریخ سیستان* که قدیم‌ترین این کتاب‌هاست و احتمالاً در قرن چهارم هجری تألیف شده، راجع به اختراع

## 124 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی « ادب و عرفان »

رباعی خاموش است و فقط یک رباعی را از شاعری مجهول به نام صانع یا صایغ ذکر می‌کند.

امیر عنصرالمعالی که قابوس‌نامه را در سال 475 ه. ق نوشته است به پدید آمدن رباعی در زمان و مکان خاصی اشاره نکرده است. کیکاووس در باب سی و ششم قابوس‌نامه تحت عنوان آداب خنیاگری، چنین می‌گوید: «پس کودکان و زنان و مردان لطیف طبع نیز بی‌بهره نباشند تا آن‌گاه که ترانه گفتن پدید آید، این ترانه را نیز نصیب این قوم کردند تا این قوم راحت یابند.» (کیکاووس بن اسکندر بن قابوس 1342: 141)

شفیعی کدکنی معتقد است رباعیاتی که در محافل صوفیه خوانده می‌شد و به زبان عربی، از سنخ فلهویات و اشعار عامیانه مردم عاشق پیشه کوچه و بازار بوده است. (شفیعی کدکنی 1358: 477-478)

جلال الدین همایی به مناسبت یک هزار و صدمین سالگرد رودکی بیان می‌کنند که رباعی اختراع شخص معینی نیست بلکه صورت ارتقا یافته دوبیتی‌های قدیم است:

« پس پیش بنده مسلم و محقق شده است که وزن رباعی و بسیاری از اوزان دیگر که داخل دوایر عروض شده است در میان ایرانیان سابقه داشته که بعدا همان اوزان به زبان شعرای دری گوی اولیه که پیشوای سخن سرایان بعد هستند طبعاً جاری و ظاهر گردیده است، نه اینکه همه این اوزان را از عرب و یا اقوام دیگر تقلید کرده باشند ... باری به عقیده من، رودکی مخترع رباعی نبوده و قبل از وی هم این وزن در فارسی سابقه داشته اما او شاید اولین شاعری باشد که از این نوع شعر در ساختن آهنگ‌ها و سرودها و اشعار ملحون زبان دری معمول عصر سامانی، بیش از سایر گویندگان استفاده کرده باشد. برای اینکه می‌دانید رودکی علاوه بر شاعری در موسیقی کاملاً دست داشت و خود چنگ می‌نواخت، پس به قوه این هنر از اوزان ترانه و دوبیتی خوب استفاده کرد و شاید اگر سرودها و اشعار ملحون خود را به شکل رباعی ساخته، همین امر موجب شده است که اختراع رباعی را به او نسبت داده‌اند. به اعتقاد بنده ریشه وزن رباعی همان لحن اورامن و اورامنان است که به زبان پهلوی یازده هجا در وزن هزج مسدس مقصور و محذوف یعنی هم وزن خسرو و شیرین و ویس و رامین فخر گرگانی بوده و همان وزن با اضافه کردن یک هجا یا یک رکن مزاحف در زبان فارسی به صورت ترانه و دوبیتی معمول گردیده است، پس باید ریشه رباعی

و سایر مزاحفات بحر هزج را در لحن اورامن و نظایر آن در الحان و اشعار زبان پهلوی جستجو کنیم و بسیاری از اسرار ملت و ادبیات فارسی در همین پرده نهفته است.» (همایی، 1338: ص 40-48)

### رباعی و اسامی دیگر آن

رباعی را ترانه و دوبیتی هم خوانده‌اند. به قول استاد همایی «ما بین اصطلاح دوبیتی و ترانه از این جهت فرق گذاشته اند که اگر دو بیت رباعی طوری ساخته شود که با سرود و آهنگی تطبیق داده شود یعنی به اصطلاح قدیم ملحون و به اصطلاح امروزی ضربی و آهنگین باشد، آن را ترانه و اگر از این جهت خالی و به قول ادبا مجرد باشد آن را دوبیتی گویند.» (همان) امیر عنصر المعالی رباعیات خود را در باب‌های مختلف قابوس‌نامه آورده است و هر جا آن‌ها را با اسامی مختلف یاد کرده است؛ گاهی به اسم دوبیتی و گاهی بیت و در بعضی موارد به اسم غزل و ترانه آورده است: «اگر غزل و ترانه، گویی سهل و لطیف‌تر گویی و به قوافی معروف گویی.» (کیکاووس بن اسکندر بن قابوس، 1342: 138)

شمس قیس رازی در المعجم با تفاوت اندکی اسامی ذیل را برای رباعی آورده است:

**قول:** هرچه از آن جنس در ابیات تازی (عربی) سازند آن را قول گویند.

**غزل:** هرچه بر مقطعات فارسی باشد آن را غزل خوانند

**دوبیتی:** و شعر مجرد آن را دوبیتی خوانند برای آنکه بیان آن بر دوبیت بیش نیست.

**ترانه:** بنا بر اصل داشتن ملحونات این وزن را ترانه گویند.

**رباعی:** مستعربه آن را رباعی خوانند از بهر آنکه بحر هزج در اشعار عرب مربع الاجزا آمده

است. (شمس قیس رازی 1373: 120-121)

اسم دیگر که برای رباعی آورده‌اند، چهاربیتی است و این اصطلاح را خواجه نصیرالدین توسی در معیار الاشعار جایی که راجع به دوبیتی و ترانه سخن می‌گوید، آورده است: «به این سبب ترانه (رباعی) را قدما چار بیت گرفته‌اند و آن را چهاربیتی خوانده‌اند.» رباعی یک اسم دیگر هم دارد و آن اصطلاح خصی است که رشید الدین وطواط از آن چنین یاد می‌کند: «خصی دوبیتی را گویند که مصراع سوم او را قافیت نباشد.» (رشید الدین وطواط،

## 126 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی « ادب و عرفان »

1315 : 85) از این بررسی‌ها به این نتیجه می‌رسیم که برای رباعی اسامی زیر کاربرد داشته است:

1- ترانه 2- چاربیتی 3- دوبیتی 4- خصی 5- چار مصرعی 6- جفتی

## سحابی کیست؟

«ابو سعید کمال الدین نجفی استرآبادی متخلص به سحابی، عارف درویشی که رباعی را وسیله اظهار افکار عرفانی و حکمی و اخلاقی خود قرار داد. او در قرن دهم و اوایل یازدهم هجری می‌زیسته و در 1010 ه.ق فوت کرده و صائب تبریزی در شعر ذیل او را خاتم رباعی سرایان خوانده است:

«غزل‌گویی به صائب ختم شد از نکته پردازان رباعی گر مسلم شد ز موزونان سحابی را»  
(صائب، دیوان: 78)

اقبال لاهوری یکی از اولین طرفداران سحابی در شبه قاره بوده و او را بر عمر خیام ترجیح می‌نهاده‌است. اقبال تاسف می‌خورد که سحابی را خاورشناسان هنوز نشناخته‌اند و گرنه رباعیات او شاید بیش از رباعیات خیام مورد تمجید و توجه قرار می‌گرفت. (اقبال لاهوری، 1964: 74)

شبلی نعمانی در مجله «الندوه» تحت عنوان «فلسفه و شاعری» چنین نوشته‌است:  
«...ارکان مشهور فلسفه خیام و ناصر خسرو هستند؛ لیکن این امر مایه تأسف است که کسی که تاجدار این اقلیم بوده خطبه شهرت به نام او خوانده نشده، گرچه اهل فن از اسم او اطلاع دارند و در همه تذکره‌ها اسم او آمده و میرزا صائب وی را خاتم رباعی‌گویان معرفی کرده است، لیکن کلام او شهرت پیدا نکرد.» (شبلی نعمانی، 1337، ج 3: 18)

او در ضمن بحث و بررسی راجع به رباعی، بدین قرار درباره سحابی اظهار نظر کرده است: «سحابی استرآبادی، معاصر اکبر شاه، در نجف معتکف بود دست کم هفتاد هزار رباعی نوشت که سراسر مملو از فلسفه است .... در بخش چهارم کتاب که در شاعری فیلسوفان بحث خواهیم کرد از کلام او به طور انتخاب پیش خواهیم کشید» (همان، ج 5: 115-118)

امین احمد رازی در سال تالیف هفت اقلیم درباره او می‌نویسد: «سی سال است در مسجدی که مجاور ضریح حضرت امیر المومنین علی است معتکف می‌باشد و به جارو کشی



آن آستان اشتغال دارد. از قرار معلوم تا چهل سال بدین خدمت اشتغال داشت و سرانجام در نجف اشرف رخت از جهان فانی بر بست و در همان تربت پاک مدفون شد. «(امین احمد رازی، 1389، ج 3: 111-113)

در تذکره میر ابوطالب رضوی می‌خوانیم: «سحابی استر آبادی شاعر دوره صفوی در قرن 13 هجری اصلش از جرجان است و در شوشتر تولد یافت و در نجف متوطن شده است. ظهورش به روزگار دولت شاه عباس صفوی بوده، گویند چهل سال در نجف سکونت داشته است و در سن 1201 همسرش فوت نموده است. علاوه بر غزلیات، شش هزار رباعی دارد.» (رضوی، 1369: 456)

در *ریحانه الادب* نیز درباره وی آمده است: «از اکابر عرفا و شعرای صفویه می‌باشد که پدرانش گرگانی بودند خودش در شوشتر متولد شد در نجف شهرت یافت و به همین جهت به سحابی نجفی شهرت پیدا کرد؛ بلکه به نوشته بعضی، نجفی المولد و المنشاء و المدفن بود. در آن ارض اقدس به عبادت و انزوا گذراند شش هزار رباعی حکیمانه بدو منسوب است و صاحب *مرآت الخیال* دوازده هزار رباعی او را در یک جلد آورده آن هم طبع روانی اصلاً از وی دیده نشد: «بس ساده دلی کزین ره آگاه افتاد بس اهل خرد که در تک چاه افتاد این کار حوالتی نه علم و عمل است چون گنج که تا که را بدان راه افتاد» (مدرس تبریزی، 1374 ج 2: 171)

از این اطلاعات می‌توانیم استنباط کنیم که اسمش «کمال الدین» لقبش «ابوسعید» و تخلصش «سحابی» بوده و از شعر ذیل که از غزلی سروده اوست، می‌نماید که او سحاب هم تخلص کرده است:

«السلام این بنده سرگشته را یعنی سحاب کرده آزاد از دو عالم شوق دیدار شما»  
(کلیات سحابی، نسخه مجلس: 501)

زین العابدین مؤتمن سحابی را آخرین شاعر فیلسوف ایران نامیده است و همین مطلب را قبل از وی شبلی نعمانی در *شعرالعجم* متذکر شده است. سحابی فقط یک صنف سخن یعنی رباعی را اختیار کرد اگر چه غزل و مثنوی هم گفته است. در خصوص تعداد رباعی‌های او اقوال متفاوت داریم. *مرآت الخیال* و *سرو آزاد* شماره رباعیات او را تا 170.000 نوشته‌اند. صبح

## 128 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی « ادب و عرفان »

صادق هفتاد هزار آورده است. البته این هم مبالغه محض است.» (منزوی، فهرست کتابخانه مجلس ج 8: 131)

به هر صورت بر طبق تحقیق پژوهشگرانی مانند ادوارد براون و هرمان اته جمعاً تعداد رباعی‌های موجود سحابی تقریباً شش هزار است. چنانکه گذشت سحابی رباعی را وسیله اظهار عقاید و افکار خود قرار داده لیکن او غزل هم گفته که تعدادی از آن‌ها در بعضی نسخه‌های خطی موجود است و اخیراً آقای اکبر بهداروند دیوان غزلیات ایشان را با همکاری نشر زوآر به چاپ رسانده است. صائب در دیوان خویش برخی از غزل‌های او را نقل کرده است، به علاوه سحابی یک مثنوی عشقی و یک مثنوی عرفانی به نام «حقایق معنوی» داشته و رساله‌ای که به نام «عروه الوثقی» معروف است.

## سبک سحابی

به گفته زین العابدین مؤتمن «شعر سحابی از لحاظ سهولت لفظ و معنی و شیوایی و حسن تاثیر، هرگز به پای خیام نمی‌رسد ولی اصولاً با شعر سبک خراسانی و سبک آخر دوره عراقی و گونه سبک هندی فرق دارد؛ اما از دیدگاه قرون دهم و یازدهم هجری شعر سحابی ساده و دلاویز است و تعقید لفظی و معنوی و یا پیچیدگی ندارد ولی باید متوجه بود که شعر وی دارای تفکر اخلاقی و عرفانی و دینی است و صرفاً تغزل و قافیه سنجی نیست.» (مؤتمن، 1329: 308)

سحابی مطالب وحدت و معرفت را با قدرت و شوق بی‌نظیر بیان می‌کند به گونه‌ای که در دل خواننده جذبه و حال پیدا می‌کند؛ فلسفه سحابی تخریبی نیست، سازنده است. مطالبی از قبیل باده، ساقی، کرشمه، ناز، گیسو، عارض، شمع و پروانه که باعث دلگرمی خواننده است و هنگامی که از محفل رندان سخن می‌گوید، آن را به زیبایی هر چه تمام‌تر بیان می‌کند:

«در مدرسه خیری نبود بر در زن      رندان به میخانه رو و ساغر زن

خواهی نشود نامه عمر تو سیاه      آتش به دوات و قلم و دفتر زن»

در مجموع آنچه از فحوای کلام او دریافت می‌شود، این است که سحابی شاعری توانمند است که در عین برخورداری از درک عرفانی قوی و زهد و ارادتی که به اهل بیت و به خصوص حضرت علی (ع) دارد، شعر او از ویژگی‌های عمده زیر برخوردار است:

الف-سادگی و بی‌پیرایگی: سبک سحابی ساده و بی‌پیرایه است و رنگ سبک هندی در آن نمادین است؛ به همین علت در کلام او کلمات عامیانه بی‌حد و حساب است:

«بس جهد نمودیم حبش، روم نشد یعنی فلک سرکش محکوم نشد

فریاد که هرچند برین ره رفتیم فرع ابتر ماند و اصل معلوم نشد»

ب-ارسال المثل: یکی از خصایص شعری او ارسال المثل است که اصل سرمایه سبک هندی است، لیکن این جنبه از شعر او به خوبی و سهولت و دلنشینی شاعران استاد این سبک نمی‌رسد. اغلب مثال‌هایی که در بیان مطالب می‌آورد سبک و کم رنگ است. نمونه‌ای از این گونه رباعیات را می‌توان در زیر مشاهده کرد:

«دی یار به سوی غیر آهنگ نداشت غیر از گل باغ عارضش رنگ نداشت

ماهی که ز اطلس فلک بودش عار از خرقة پشمینه ما ننگ نداشت»

پ-سوال و جواب: صنعت دیگر او سوال و جواب است که در بسیاری از رباعیات او به کار رفته است:

«گفتم همه بیداد نمی‌باید کرد گفتا که ز خود یاد نمی‌باید کرد

گفتم که چنان گوی سخن، می‌شنوم خندید که فریاد نمی‌باید کرد»

ت- آیات قرآن و احادیث: در خصوص اهمیت دادن او به کلام وحی، خود متذکر می‌شود که تنها بصارت و بینش قرآنی است که چاره جوی هر گرفتاری است:

«عاقل ز خرد بصارتی می‌خواهد عارف ز بصر اشارتی می‌خواهد

نامعتمدست هر سخن جز قرآن خود قرآن هم بصارتی می‌خواهد»

یا در رباعی دیگر گوید:

«هر چیز به عالم است پیدا و نهفت در خدمت آدم است کوشگر بگفت

چون نیک درین کار نظر کردیمی «لولاک لما خلقت الافلاک» شنفت»

ث- بهره‌گیری از صورخیال در حد متعادل:

«تا کی به شتاب گردد این چرخ بلند عمرم گذرد چو صید وارسته ز بند

ای کوه بلا و محنت از دل برخیسز بر دامن روزگار بنشین یک چند»

نسخه‌های خطی رباعیات و کلیات سحابی

## 130 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی « ادب و عرفان »

نسخه‌های خطی رباعیات و کلیات سحابی در کتابخانه‌های معتبر دنیا موجود می‌باشد. در شبه قاره هند و پاکستان نسخ متعدد موجود است که منزوی در فهرست مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای وابسته به سازمان همکاری عمران منطقه‌ای نیاورده است. بزرگترین نسخه رباعیات سحابی را شبلی نعمانی دیده است. بعد از وفات شبلی پژوهشگران در صد تهیه این نسخه بر آمدند لیکن آن را پیدا نکردند. علاوه بر منتخباتی از کلیات سحابی که در جنگ‌ها دیده می‌شود در کتابخانه‌های مجلس، سپه سالار (شهید مطهری)، ملک و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و آستان قدس رضوی نسخ معتبر رباعیات موجود است. بر طبق تحقیقات صورت گرفته نسخ خطی ذیل دارای مجموعه‌ها یا منتخبات رباعیات سحابی در کتابخانه‌های مختلف دنیا یا در کتابخانه‌های خصوصی است:

## الف - کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

1- نسخه به شماره 3294/9. نستعلیق چلیپای محمد باقر شیرازی در 1045 هـ ق و میرزا ابراهیم ادهم همدانی 1048 هـ ق در جنگ - ص 117-131. این مجموعه جنگ نزدیک به 120 رباعی دارد و در آخر یک مثنوی کوتاه مشتمل بر 11 بیت که تضمینی است از این بیت مثنوی مولانا: «بشنو از نی چون جکایت می‌کند وز جدایی‌ها شکایت می‌کند»

از خلق رمیدم و شدم رام خدا	آغاز رباعیات: «المنه لله که به انعام خدا
من می‌گویم نام خدا نام خدا»	هر کس سخنی از این و آن می‌گوید
آینه صفت روی به رویم نکنی	انجام: «گم کردم اگر تو جستجویم نکنی
یا رب یا رب دروغگویم نکنی»	در حق خود از لطف تو گفتم بسیار

2- نسخه به شماره 2466/17 - نستعلیق 1054 هـ ق حاشیه طلایی. تذکره و مجموعه فالیبی هروی. این جنگ گزیده است از سحابی - از ص 553 تا 623 دارای 1776 رباعی است.

از خلق رمیدم و شدم رام خدا	آغاز: «المنه لله که به انعام خدا
من می‌گویم نام خدا نام خدا»	هر کس سخنی از این و آن می‌گوید
در پرده راز من نهانی باشی	انجام: «جهدی که به سیر لامکانی باشی
سرگشته کوی لن ترانی باشی»	نه چون دگران که از مکان می‌گردند

3. نسخه به شماره 2464/30- نستعلیق 1063-1062 هـ.ق. ص 779-827 -تتمه از ص 831-835 -دارای 600 رباعی است.

4. نسخه به شماره 3518/2- نستعلیق محمدعلی شیرازی به تاریخ 1065 هـ.ق- زرین ص 110-334 -میانه صفحات به طور مورّب. این مجموعه دیوان و کلیات طالب آملی است. 160 رباعی به طور مورّب میانه صفحات نوشته شده و عنوان گزیده بدین کلمات است: « من رباعیات قافله سالار ممالک محنت آبادی درویش سحابی استرآبادی»

آغاز: «نه کعبه به پای مانده نه دیری خود را هر دم نکردمی گر سیری  
در آینه جهان نمی‌دیدم هیچ گر یافتمی در آن غبار غیری»  
انجام: «قحط مردان و نادران آمده است دور دونان و قاصران آمده است  
خام و کج و کورند همه اهل جهان پالیز جهان به آخران آمده است»

5. نسخه به شماره 3501/2 . نستعلیق سده 11 ،زرین، دارای رساله عروة الوثقی و دیوان ( صص 16-228 ) رباعی به ترتیب تجمعی و مثنوی ( صص 220-228 ) این نسخه دارای حدود 3664 رباعی است.

آغاز: «المنه لله که به انعام خدا از خلق رمیدم و شدم رام خدا  
هر کس سخنی از این و آن می‌گوید من می‌گویم نام خدا نام خدا»  
انجام: «در وحدت خود را طلب از هرچه کنی جفت و ولد و رفیق و همسر چه کنی  
تو کوزه خود پرآب کن ای تشنه این کوزه تهی کوزه دیگر چه کنی»

6. نسخه به شماره 2950/38- نستعلیق سده 11-12 . این مجموعه گزیده مختصری از رباعیات سحابی دارد.(صص 175-179 - 49 رباعی)

آغاز: « منمای با این خلق مجازی خود را مشهور مکن به نکته سازی خود را  
چون می‌بینی که اهل مجلس کورند ای شمع چه هرزه می‌گذاری خود را»  
انجام: « ای گشته بزرگ بر کسان خرده مگیر انصاف بده لطف نما عذر پذیر  
بر خلق جهان عنایت و رحمت باش همچون نظر پدر به فرزند صغیر»

ب - کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران - تهران

7. نسخه به شماره 2660:19 با تاریخ 1060 هـ.ق در دفتر ( ص 557-611). این مجموعه دارای 900 رباعی است.

## 132 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی « ادب و عرفان »

آغاز: «آن ذات خفی نکرد ظاهر شأن را  
 شمع است نماینده کس در شب تار  
 انجام:» از خود بگریز و در حق آویز همی  
 با زندگی و خرمی خویش مناز  
 8- نسخه به شماره 1087 . از آغاز سده یازدهم . دارای 6250 رباعی و رساله عروۃ  
 الوثقی است که از این بیت شروع می‌شود:

«در جهان اندمشت خام طبع  
 آغاز:» المنۃ لله که به انعام خدا  
 هر کس سخنی از این و آن می‌گوید  
 کید خود را نهاده نام ورع»  
 از خلق رمیدم و شدم رام خدا»  
 من می‌گویم نام خدا نام خدا»  
 پایان: «در وحدت خود را طلب از هر چه کنی

جفت و ولد و رفیق و همسر چه کنی  
 تو کوزه خود پر آب کن ای تشنه  
 9- نسخه به شماره 442/8 -مجموعه اشعار ص 281-287- تاریخ یاد نشده. مجموعاً  
 63 رباعی.

آغاز: «المنة لله که به انعام خدا  
 هر کس سخنی از این و آن می‌گوید  
 انجام:» هر نفس که بر تخته هستی پیداست  
 از خلق رمیدم و شدم رام خدا  
 من می‌گویم نام خدا نام خدا»  
 این صورت آن کس است که نقشی آراست»

10- نسخه به شماره 2431- شکسته نستعلیق خوش، سده 13 با یادداشت 1288  
 مبنی بر اینکه دیوان به خامه میرزا مهدی ملک الکتاب است. زرین، دارای 464 غزل و 64  
 رباعی است.

آغاز رباعیات: «آفاق روان ستاره‌ای بیش نیند  
 اوصاف مرا شماره‌ای بیش نیند  
 وین خلق که در جوش و خروش آمده‌اند  
 از آتش من ستاره‌ای بیش نیند»  
 انجام: «در هر که رسید سیر مستعجل من  
 جویای وفا شد دل بی حاصل من  
 هر چند که این متاع در عالم نیست  
 درد طلبش نمی‌رود از دل من»  
 پ- کتابخانه حاج حسین ملک -تهران، وابسته به آستان قدس رضوی مشهد

11- نسخه به شماره 4995 نوشته 1091 دارای 4452 رباعی است.

آغاز: «ای عشق تو در سینه بی‌کینه ما  
وی درد و غم تو بار دیرینه ما  
جز داغ تو که تمام عالم را سوخت  
چیزی دیگر نماند در سینه ما»  
انجام: «یک نکته اگر از این دقایق شنوی  
خود را ز دو کون محو و فایق شنوی  
رازی است که گفته می‌شود در دل تو  
هر چند که آواز خلاق شنوی»

ت- کتابخانه مسجد عالی شهید مطهری - تهران

12- نسخه به شماره 149/3 نستعلیق، سد 115 (16 سد - 249 ب)

انجام افتاده - «رباعیات یکی از عرفا» این نسخه دارای بیشتر از 5000 رباعی است.  
آغاز: «المئة لله که به انعام خدا  
از خلق رمیدم و شدم رام خدا  
هر کس سخنی از این و آن می‌گوید  
من می‌گویم نام خدا نام خدا»  
انجام: «گر من محوم به وحدت سبحانی  
ور زانکه تو نیز این و آنی دانی  
در عین تجلی است خداوند احد  
هم هادی و هم فاضل و هم صاحب ثانی»

13- نسخه به شماره 2799/46، نستعلیق شاه محمد میبدی، مجموعه، 1074 هـ ق  
ص 534-548 - دارای 457 رباعی است.

آغاز: «المئة لله که به انعام خدا  
از خلق رمیدم و شدم رام خدا  
هر کس سخنی از این و آن می‌گوید  
من می‌گویم نام خدا نام خدا»  
انجام: «دنیا گویم به عقل بس دون است او  
عقلی جویم ز عشق بیرون است او  
خواهم کز دوست شمه‌ای وا گویم  
اما چه کنم که نیز بی‌چون است او»

ث- کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد

14- نسخه به شماره 612 ادبیات (4798) - نستعلیق سده 11، دارای رساله عروة الوثقی،

مثنوی عرفانی و دارای رباعی 3938-3348 گ 12 س یک ورق از حرف الف افتاده است.  
قسمت رباعیات:

آغاز: «هستی پیوست پیش عشق است مرا  
جان و دل و دست پیش عشق است مرا»  
انجام: «در وحدت خود را طلب از هر چه کنی  
جفت و ولد و رفیق و همسر چه کنی  
تو کوزه خود پر آب کن ای تشنه  
این کوزه تهی کوزه دیگر چه کنی»

ج - موزه بریتانیا لندن

16. نسخه به شماره ADI)325843/2 با تاریخ 1082 (1671 میلادی).

(گ) (180.73) (ریو: 2: 856).

آغاز: «ای عالم خوب و زشت آشوب او را»

17. نسخه به شماره Or.329 نستعلیق سده 1218 میلادی. گزیده‌ای است در 235 گ.

(ریو-172:2) این نسخه مهر محمد شاه را به تاریخ 1133 هـ ق دارد.

18- نسخه به شماره Or.9812/1 سده 12 سپس دیوان محمد یوسف گیلانی (نسخه‌ها

(678:4)

چ - کتابخانه آصفیه حیدرآباد (دکن) هند.

19. نسخه به شماره 806 دیوان. تاریخ یاد نشده - (ف. آصفیه 3: 298)

ح - تهران - آقای عبدالرحمن پارسایی تویسرکانی

20- نوشته ح 1002/2 ه ق (؟) - دارای شش هزار رباعی همراه رساله عروۃ الوثقی است.

چنانکه گفته شد فعلاً این نسخه موجود نیست و اینکه تاریخ استنساخ آن 1002 ه ق است

تا نسخه پیدا نشده و بررسی نشود مورد شک و تردید است. (رضوی 1369، 556:7)

خ - آصفیه حیدرآباد (دکن) هند

21. نسخه به شماره قلمی 95. رباعیات، فارسی قصاید فهرست ج دوم 1252 جامعه

عثمانیه (دانشگاه عثمانیه) حیدرآباد (دکن) هند.

22. فف 5124 و 891- اوراق 269 تقطیع 10x2/1 س فی ص 13. خط نستعلیق. سند

کتابت 26 جلوس - مقام ندارد کاتب سید عرفان علی شاه.

23. انتخاب رباعیات - اوراق 39 تقطیع "13 X 7". هر صفحه 5 ستون و هرستون

20 سطر دارد. خط نستعلیق - خوش خط. سند کتابت و نام کاتب و مقام کتابت ندارد.

د - موزه ملی پاکستان. کتابخانه نسخه‌های خطی

24. نسخه به شماره 465- گ 222- هر صفحه 5 رباعی و 6 رباعی در حاشیه. استنساخ

این نسخه در کشمیر به تاریخ اول محرم 1050 هـ ق پایان یافت. اسم کاتب نامعلوم -

خوش خط. دارای رساله عروۃ الوثقی و 4700 رباعی و مثنوی.



آغاز: «المئة لله که به انعام خدا  
هرکس سخنی از این و آن می‌گوید  
انجام:» در وحدت خود را طلب از هر چه کنی  
تو کوزه خود پر آب کن ای تشنه  
از خلق رمیدم و شدم رام خدا  
من می‌گویم نام خدا نام خدا»  
جفت و ولد و رفیق و همسر چه کنی  
این کوزه تهی کوزه دیگر چه کنی»

#### ذ - جوناگده - هند. قاضی احمد میان اختر

25. تاریخ استنساخ و اسم کاتب نامعلوم . به ظاهر متعلق به سده 12. مثنوی و غزلیات و 176 رباعی - فعلاً معلوم نیست این نسخه کجاست. (مجله اورینتل کالج «oriental college magazine» دانشگاه پنجاب لاهور ج 8 شماره یکم. عدد مسلسل 27 به شماره ماه نوامبر 1931 میلادی. مقاله قاضی احمد میان اختر جوناگوهی بر موضوع سحابی نجفی و نسخه‌های خطی رباعیات او.)

#### ز - کتابخانه مدرسه ندوة العلماء هند - اعظم گار - هند

26. این نسخه دارای 2342 رباعی است . به گفته کتابدار این کتابخانه آنرا از یک نسخه نادر برای شبلی نعمانی (موسس و رئیس مدرسه ندوه العلماء) استنساخ کرده بودند و به ظاهر مورد استفاده موصوف بوده زیرا جابجا بر حواشی اوراق یادداشت‌ها به خط ایشان دیده می‌شود. (به قول قاضی احمد میان اختر در کتابخانه محمد سمیع یکی از امرای عالمگیری منتخبی از رباعیات سحابی بود بن . ک: ص چهل و چهار این مقاله) و این نسخه خطی از نظر شبلی نعمانی گذشته بود و برای موصوف از این رونوشت تهیه کرده بودند که فعلاً در کتابخانه ندوة العلماء در اعظم گار می‌باشد

#### ر - حیدرآباد (دکن) هند - مولانا حبیب الرحمان خان شروانی

27. نسخه متعلق به نواب صدر یار جنگ بهادر مولانا حبیب الرحمان خان شروانی ایشان یکی از دوستان و همکاران شبلی نعمانی بودند و این نسخه را اتفاقاً از یک کتابفروش دوره‌گرد خریدند - بر طبق بررسی‌شان این نسخه در قرن یازدهم هـ ق استنساخ شده بود. از صفحه اول تا 33 افتاده - ص 228 سالم بود و کاتب روی این صفحه فقط 12 سطر نوشته و باقی را خالی گذاشته است. به ظاهر این پایان نسخه است، به قول مولانا حبیب الرحمان این نسخه دارای 4510 رباعی و 38 بیت از یک مثنوی عرفانی است. فعلاً معلوم نیست این نسخه کجاست.<sup>66</sup>

س - کتابخانه مولانا آزاد - دانشگاه مسلم علی گار - علی گار - هند

28. نسخه به شماره (1)53. مجموعه فارسی دانشگاه. تاریخ استنساخ 1073 هـ ق در عهد شاه عالمگیر به وسیله چندربان.
29. نسخه به شماره ضمیمه ادب 184 - مجموعه فارسی دانشگاه - تاریخ استنساخ 1241 هـ ق به وسیله محمد سعید حصارى.
30. نسخه به شماره ف 8/13/551/891 - مجموعه احسن - تاریخ استنساخ 1137 - به وسیله نجات الله المعروف به شاه میان بلگرامی.
31. نسخه به شماره ف 13/3/5. مجموعه حبیب گنج - نام کاتب و تاریخ استنساخ معلوم نیست.
32. نسخه به شماره ف 1/13/551/981 مجموعه احسن، نام کاتب و تاریخ استنساخ معلوم نیست.
33. نسخه به شماره ف 3/13/551/891 مجموعه احسن، نام کاتب و تاریخ استنساخ معلوم نیست.
- ش - کتابخانه برلین
35. نسخه به شماره 950. دارای 1500 رباعی - 127 گ . 21x1205 س م. نستعلیق. تاریخ نامعلوم.

آغاز: « المنة لله که با نعم خدا از خلق رمیدم و شدم رام خدا »

ص - کتابخانه بانکی پور - پاشا - هند - (کتابخانه همگانی خدابخش اورینتل)

India.Khudabakhsh oriental public library panta

36. نسخه به شماره 267. نستعلیق به تاریخ شعبان 1081 هـ ق . خوش خط - زرین و مطلقاً و مذهب - 293 گ. دیباچه (رساله عروه الوثقی) در سه فصل و دارای 4900 رباعی . به ترتیب حروف - به ظاهر این یکی از بهترین نسخ رباعیات سحابی است.
- انجام رباعیات:

«در وحدت، خود را طلب از هر چه کنی جفت و ولد و رفیق و همسر چه کنی

تو کوزه خود پر آب کن ای تشنه این کوزه تهی کوزه دیگر چه کنی»

37. نسخه به شماره 268. نستعلیق به تاریخ 12 ربیع الثانی 1055 . ترتیب و تعداد رباعیات همان است که در نسخه ماقبل. اگرچه این نسخه قدیم تر است لیکن بر طبق گفته مرتب فهرست پاشا نسخه ماقبل خوش خط تر و صحیح تر است.

ض - ایندیا آفیس (اداره هند) لندن.

39. نسخه به شماره 1480- مجموعه - رباعیات ص 92- 157- 5 رباعی در هر صفحه

- تقریباً 330 رباعی به ترتیب حروف تهجی.

آغاز: «معنی فعل است هر بد و نیکو را در پرده قول کرده پنهان او را»

ع - کتابخانه بودلین - دانشگاه کمبریج

40. نسخه به شماره 1063- نستعلیق - تاریخ استنساخ نامعلوم- ص 137- 179

منتخبات مختصر، تفصیل محتویات این نسخه معلوم نیست. هرمان اته (مرتب فهرست این کتابخانه) می‌گوید که به نظر ما این نسخه متعلق به سحابی استرآبادی است. چنانکه متذکر شدیم در صد سال گذشته چند منتخب (برگزیده) از رباعیات او به زیور طبع آراسته شده است. اینک ما این مجمل را مفصل می‌گوییم:

قدیم‌ترین انتخاب از رباعیات سحابی به طور مستقل در سال 1920 میلادی به کوشش ک.م. میترا دانشیار زبان فارسی در دانشکده دیال سنگه (وابسته به دانشگاه پنجاب لاهور) چاپ شده بود و فعلاً نسخه‌ای از آن در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور زیر شماره 00/vi/109 موجود می‌باشد همچنین نسخه دیگر از این کتاب در کتابخانه اداره هند (ایندیا آفیس) لندن موجود است. این انتخاب یکی از کتاب‌های فارسی بود که دانشگاه پنجاب برای مطالعه دانشجویان درجه لیسانس تخصیص داده بود و بهترین و صحیح‌ترین (ولو مختصر) انتخاب چاپی از رباعیات سحابی است. متأسفانه مقدمه یا دیباچه‌ای ندارد که از آن معلوم شود که در تدوین و تألیف آن، مولف از چه نسخه‌های خطی استفاده کرده است. این انتخاب فقط دارای 111 رباعی است که مولف آن را تحت عنوان‌های مختلف در دوازده باب به قرار ذیل رده بندی کرده است:

1. در معرفت و توحید

2. در شرف انسانی و صفت آفرینش

3. در علم و جهل و خودشناسی

4. در کبر و پستی و مذمت ریا

5. در بی اعتباری دنیا و عزلت

6. در عشق حقیقی

7. در سخن و خاموشی
8. در آرزو و امل و ترک هوا و هوس
9. در طاعات و ورع و لطف و کرم
10. در جوانی و پیری و حیات و ممات
11. در جبر و اختیار و گناه و توبه
12. در آخرت و رحمت الهی

در سال 1350 هـ ق مطابق 1931 میلادی مجموعه بزرگتری از رباعیات سحابی در شهر علی گار (هند) منتشر شد. این انتخاب دارای 900 رباعی است و به کوشش مولوی علی اوسط جمع آوری شده، بوسیله چاپخانه سرگذشت در شهر علی گار انتشار یافته است. نسخه وحید از این انتخاب زیر شماره 4/4/94 در کتابخانه انجمن ترقی اردو پاکستان در کراچی موجود است. مؤلف در مقدمه می نویسد که در انتخاب و تدوین این مجموعه از دو نسخه خطی در کتابخانه دارالمصنفین اعظم گار (هند) (که یکی از آنها متعلق به شبلی نعمانی بوده) و از نسخه‌ای دیگر در کتابخانه دانشگاه مسلم علی گار (هند) استفاده کرده است. علاوه بر دو منتخب چاپی که ذکر آن گذشت تعدادی از رباعیات سحابی در مجموعه‌های زیر هم چاپ شده است:

**گلزار معرفت:** از مقدمه منتخبات سحابی چاپ علی گار معلوم می شود که در اوایل قرن میلادی حاضر، مجموعه‌ای از اشعار جامی و بابا فغانی و شعرای دیگر به وسیله یکی از ایرانیان در لیدن (هلند) چاپ و منتشر شده بود. این مجموعه 150 رباعی از سحابی داشت. **خیابان عرفان:** مجموعه‌ای از رباعیات است که به وسیله سید حسن بلگرامی صدر محاسب سرکار خاص در حیدرآباد (دکن) هند در ماه مارس 1923 میلادی منتشر شده و دارای 1500 رباعی است، از جمله 150 رباعی از سحابی. نسخه‌ای از این منتخبات در کتابخانه دانشگاه پنجاب زیر شماره M/p/va/1 موجود است.

### نتیجه‌گیری

بنابر این تحقیق می توان به اهمیت شخصیت و شعر سحابی در میان همعصران و بلکه فراتر از آن، در میان رباعی سرایان زبان فارسی اشاره نمود. این مطلب بر اساس تعدد نسخ و

شرح حال و توصیفاتى که از شخصیت وی به عمل آمده، مشهود است. متأسفانه امروز که نزدیک به چهارصد سال از مرگ بزرگ‌ترین رباعی‌سرای زبان فارسی می‌گذرد هنوز رباعیات او کاملاً جمع نشده و به چاپ نرسیده است. البته طرفداران زبان فارسی در شبه قاره هند به کلام سحابی بیشتر علاقه نشان داده‌اند تا در ایران، و این شاید به دلیل آشنایی بیشتر با شاعر و کثرت نسخ موجود دیوان او بوده است. تأملی دقیق و همه‌جانبه در مفاهیم رباعیات او و تأثیری که او از شاعران بزرگ نظیر مولوی پذیرفته، و اشارات او به آیات و احادیث و مفاهیم عمیق عرفانی، ما را بر آن می‌دارد که بیشتر در دیوان و رباعیات او سیر کنیم و به نقد و تحلیل رباعیات او بپردازیم که به راستی دفتري سرشار از نکات اخلاقی و عرفانی است که به صورت پراکنده در لابه‌لای کتب عارفان و عالمان تصوف یافت می‌شود. امید که این کار از سوی پژوهشگران و محققان، پی‌گیری شود و به سرانجامی برسد.

## 140 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی « ادب و عرفان »

## کتاب نامه

- احمدی دقوقی گیلانی، تقی الدین محمد. 1388. *عرفات العاشقین و عرصات العارفین*. تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
- اته، هرمن. 1337. *تاریخ ادبیات ایران*. ترجمه و حواشی رضازاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- براون، ادوارد. 1386. *تاریخ ادبیات ایران*. ترجمه غلام حسین صدری افشار. تهران: مروارید.
- تاک، مسعود. 1381. *چارجوی بهشتی*. تهران: چشمه.
- تاریخ سیستان. 1314. به تصحیح ملک الشعرا محمد تقی بهار. تهران: موسسه خاور.
- دهخدا، علی اکبر. 1377. *لغت نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رازی، امین احمد. 1389. *هفت اقلیم*. تصحیح سید محمد رضا طاهری. تهران: سروش.
- رازی، شمس قیس. 1373. *المعجم فی معاییر اشعار العجم*. تصحیح سیروس شمیسا. تهران: فردوسی.
- رضوی نژاد صومعه سرایی، میر ابو طالب. 1369. *تذکره چار صد شاعر بزرگ پارسی گوی*. نشر تهران.
- سمرقندی، دولت شاه. 1338. *تذکره الشعرا*. تهران: کلاله خاور.
- شبلی نعمانی. 1337. *شعر العجم*. ترجمه سید محمد تقی داعی گیلانی. تهران.
- شروانی، جمال خلیل. 1366. *نزه المجالس*. تصحیح محمد امین ریاحی. تهران: زوار.
- شیرانی، محمود. 1942. *تنقید شعر العجم*. هندوستان. انجمن ترقی اردو.
- عوفی، محمد. 1335. *الباب الالباب*. تالیف. تصحیح و تحشیه سعید نفیسی. تهران: چاپ ابن سینا.
- فروزانفر، بدیع الزمان. 1334. *حادیث مثنوی*. انتشارات دانشگاه تهران.
- قنبری، محمد رضا. 1387. *خیام نامه*. تهران: زوار.
- کریستین سن. 1374. *بررسی انتقادی رباعیات خیام*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- کیکاووس بن اسکندر بن قابوس. 1342. *قابوس نامه*. تصحیح عبدالمجید بدوی. کتابفروشی تهران. ابن سینا.

- محبوب، محمد جعفر. 1345. *سبک خراسانی در شعر فارسی*. تهران.
- مدرس تبریزی، محمد علی. 1374. *ریحانه الادب*. تهران. خیام.
- مدرس رضوی. 1344. *تعلیقات بر حدیقه حکیم سنایی*. تهران: موسسه مطبوعاتی علمی موتمن، زین العابدین. 1329. *تحول شعر فارسی*. تهران: کتابفروشی حافظ.
- میر صادقی، میمنت. 1373. *فرهنگ واژه نامه شاعری*. تهران: کتاب مهناز.
- ندوی، سید سلیمان. 1923. *دارالمصنفین*. اعظم گار. هندوستان.
- نظامی عروضی سمرقندی. 1332. *چهار مقاله*. تصحیح محمد معین. تهران.
- نفیسی، سعید. 1363. *رباعیات بابا افضل الدین کاشانی*. تهران: فارابی.
- واله داغستانی، علیقلی. 1384. *تذکره ریاض الشعرا*. به تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. تهران.
- وطواط، رشید الدین. 1308. *حدایق السحر فی دقایق الشعر*. تصحیح عباس اقبال. تهران: کتابخانه کاوه.
- هدایت، رضا قلی خان. 1375. *ریاض العارفین*. با مقدمه ابوالقاسم رادفر و گیتا آشیدری. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی.
- هروی، نجیب مایل. 1378. *سایه به سایه*. (دفتر مقاله‌ها و رساله‌ها). نشر گفتار.
- همایی، استاد جلال الدین. 1360. *تاریخ ادبیات ایران*. تهران: کتابفروشی فروغ.

#### ب - مجلات:

- مجلهٔ ارمغان، ج 13. شماره نومبر و دسمبر 1932.
- مجلهٔ الندوه. اعظم گار. هندوستان. ماه سبتمبر 1907.
- مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. شماره 3 و 4. 1328.